

عهد و گفتگو

COVENANT & CONVERSATION



درس های پیرامون راهبری
ربای لرد جاناتان ساکس



با سپاسگزاری از بنیاد خیریه موريس ول برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو

تفسير هفتگی تورات

نقطه مقابل رهبری: تتزاول

The Counterpoint of Leadership Tetzaveh 5781

یکی از مهمترین مشارکت های یهودیان به فهم ما از رهبری چیزی است که منتسکیو "تفکیک
قوا" نامید.¹ نه اقتدار و نه قدرت نمی بایست به یک نفر واگذار گردد، بلکه نقش ها می بایست
تقسیم شوند.

یکی از تفکیک های کلیدی که امروز آنرا تفکیک دین از حکومت می نامیم، میان شاه که رئیس
حکومت بود و کوهن اعظم همچون بالاترین مقام دینی برقرار بود. این یک انقلاب بود. پادشاهان،
دولت های بین النهرین و فراعنه مصر، نیمه خدا یا واسطه با خدایان تصور می شدند. آنها مراسم
دینی را افتتاح می کردند و نمایندگان آسمان ها بر روی زمین پنداشته می شدند.

¹ Charles-Louis Montesquieu, *The Spirit of Laws* (Encyclopaedia Britannica, 1952).

در یهودیت برعکس سلطنت هیچ کارکرد دینی نداشت (به جز خواندن سفر تثئیه هر هفت سال توسط پادشاه در مراسم هخال). در واقع، اعتراض اصلی کوهن گادول ها به پادشاهان خشموناییم این بود که آنها این روال را شکستند و برخی خود را کوهن گادول نامیدند. تلمود این اعتراض را گزارش می دهد: "باشد که تاج شاهی برای تو کافی باشد. تاج کهانت را به پسران اهرن بسپار." (قیدوشین ۶۶ الف) حاصل این اصل، سکولار ساختن قدرت بود.²

تفکیک رهبری دینی به دو کارکرد متمایز نیز اهمیت اساسی داشت: نقش نبی و نقش کوهن. داستان مربوط به آن در پاراشای این هفته آمده و به تفکیک نقش کوهن از نبی می پردازد. تتراوه نخستین پاراشا بعد از آغاز خروج است که در آن نام موسی نیامده است. اینجا تاکید روی نقش کوهن است و نه نبی.

کوهن ها و انبیاء نقش های بسیار متفاوتی داشتند، با آنکه برخی از انبیاء از جمله مشهورترین آنها حزقیال کوهن گادول نیز بودند. تمایزهای اولیه از این قرار بودند:

- نقش کوهن گادول موروثی در خاندان دست به دست می شد. نقش انبیاء کاریزماتیک [وابسته به فره ایزدی] بود.
- کوهن ها فرزندان اهرن بودند. نبی شدن هیچ ربطی به خاندان فرد نداشت. فرزندان موسی نبی نبودند.
- کوهن گادول لباس های رسمی می پوشید. نبی هیچ لباس رسمی نداشت.
- مسند کوهن گادول منحصر به مردان بود، اما مقام نبوت چنین نبود. تلمود هفت زن را به عنوان نبی معرفی می کند: سارا، میریام، دبورا، حنا، ایگل، هولدا و استر.
- نقش کوهن گادول به مرور زمان تغییر نکرد. تقویم سالانه دقیقی برای قربانی ها وجود داشت که همه ساله ثابت بود. برعکس، نبی هیچ گاه نمی توانست از رسالت خود پیشاپیش باخبر شود تا وقتی که خدا به او وحی می رساند. نبوت هرگز برنامه ثابت نداشت.

² In Judaism, power, except that exercised by God, is not holy.

- در نتیجه، نبی و کوهن گادول درک های متفاوتی از زمان داشتند. زمان برای کوهن ها همان مفهومی را داشت که افلاطون چنین می نامید: "تصویر متحرک ابدیت"³، یعنی یک جریان رفت و برگشت ابدی. نبی در زمان تاریخمند می زیست. امروز او مانند دیروز او نبود و فردا نیز متفاوت بود. به بیان دیگر، کوهن کلام خدا برای همه زمان ها را می شنید. نبی کلام خدا برای زمان کنونی را می شنید.
- کوهن "مقدس" بود و از این رو از مردم جدا بود. او می بایست با قوانین طهارت غذا بخورد و از تماس با مرده پرهیز کند. برعکس، نبی اغلب در میان مردم می زیست و به زبانی که آنها می فهمیدند، سخن می گفت. انبیاء می توانستند از همه قشرهای اجتماع برخیزند.
- واژه های کلیدی برای کوهن گادول *tahor, tamei, kodesh, chol* بودند به معنای: پاک، ناپاک، مقدس و سکولار. واژه های کلیدی برای انبیاء *tzedek, rachamim, mishpat, chessed* به معنای راستواری، عدالت، عشق و شفقت. به این معنا نیست که انبیاء به اخلاق می پرداختند و کوهن گادول ها با اخلاق کاری نداشتند. برخی دستورهای اخلاقی کلیدی مانند "همسایه ات را مانند خودت دوست بدار" از بخش های مربوط به کهانت در تورات می آیند. بلکه کوهنیم دستور اخلاقی را در بستر ساختار واقعیت همچون یک "هستی شناسی مقدس" می دیدند⁴. انبیاء گرایش داشتند که به خود امور و اعمال فکر نکنند، بلکه آنها را در مناسبات میان افراد یا طبقات اجتماعی بررسی کنند.

³ Plato, *Timaeus* 37d.

⁴ On this rather difficult idea, see Philip Rieff, *My Life Among the Deathworks* (Charlottesville, Va.: University of Virginia Press, 2006). Rieff was an unusual and insightful critic of modernity. For an introduction to his work, see Antonius A.W. Zondervan, *Sociology and the Sacred: An Introduction to Philip Rieff's Theory of Culture* (Toronto, Ontario: University of Toronto Press, 2005).

- وظیفه کوهن گادول حفظ حدود است. افعال کلیدی قلمرو کوهنیم *le-havdil* و *le-horot* است، به معنای تمایز چیزی از چیز دیگر و به کار بستن قانون مناسب. کوهن ها قانون می دادند و انبیاء هشدار.
- نقش یک کوهن گادول هیچ جنبه شخصی ندارد. اگر یک کوهن، حتی کوهن اعظم، قادر به انجام یک مراسم نبود، یک کوهن دیگر می توانست جای او را بگیرد. نبوت اساس استوار به فردیت بود. حکیمان تلمودی گفته اند که "هیچ دو نبی، به روش یکسان نبوت نداشته اند" (سنهدرین ۸۹ الف). هوشع مانند عاموس نبود. یسعیا مانند یرمیا نبود. هر نبی صدای متمایز داشت.

کوهنیم یک نهاد دینی را تشکیل می دادند. انبیاء، دستکم آنهایی که پیامشان در تنخ جاودانی شده، نه یک نهاد، بلکه یک ضدنهاد و منتقد قدرت های وقت بودند. نقش های کوهنیم و انبیاء در زمان های مختلف فرق می کردند. کوهنیم همیشه مراسم قربانی در معبد را اجرا می کردند. اما آنها همچنین قضات نیز بودند. تورات می گوید که اگر رسیدگی به موردی حقوقی در محکمه های محلی بسیار دشوار باشد، "باید نزد کوهنیم، لایوان و قضات وقت بروی. از آنها بخواه و آنها برایت حکم صادر می کنند" (تثنیه ۱۷:۹)، همچنین به آنها نقش آموزشی داده می شود.

ملاخی، نبی دوران معبد دوم می گوید: "زیرا لب های یک کوهن باید حقیقت را حفاظت کنند، چون او پیام آور خدای متعال است و مردم از دهان او مشورت می جویند" (ملاخی ۲:۷). کوهن گادول حافظ نظم اجتماعی مقدس اسرائیل بود. با این حال در سراسر تنخ روشن است که مقام کهانت دستخوش فساد بود. زمان هایی بودند که کوهن گادول ها رشوه می گرفتند، و زمان هایی دیگر به ایمان یهودی خیانت کرده، مراسم خدایان بیگانه را اجرا می کردند. برخی از آنها خود را نخبگانی جدا از مردم و متکبر به آنها می دانستند. در چنین زمان هایی نبی به صدای خدا و وجدان اجتماع تبدیل می شد و به مردم، وظیفه روحانی و اخلاقی آنها را یادآور شده، آنان را به بازگشت و توبه فرا

خوانده، به مردم وظیفه آنها را در برابر خدا و هموعان خود یادآور شده، پیامدهای گوش ندادن به فراخوان را یادآور می شدند.

در دوران تسلط یونانیان، مسند کهانت به شدت سیاسی و فاسد شد، به ویژه در قرن دوم پیش از میلاد در زمان خاندان صدوقی. کوهن گادول های هلنی مانند جیسون و ملایوس مراسم بت پرستانه اجرا می کردند، حتی در یک مرحله مجسمه زیوس (خدای یونان باستان) را وارد معبد کردند. این کار، به شورش داخلی و رویدادهایی انجامید که در جشن تجسم می یابند. با وجود آنکه آغازگر شورش، متتیا هو، یک کوهن گادول صدیق بود، در دوران سلطنت خاندان خشموناییم دوباره فساد برقرار شد. فرقه کومران که آنها را از روی طومارهای بحرالمیت می شناسیم، به ویژه به کوهن گادول های اورشلیم انتقاد داشتند. بسیار جالب است که حکیمان تلمودی، اسلاف روحانی آنها را به انبیاء نسبت می دادند و نه به کوهنیم (آووت ۱:۱)

کوهنیم برای یهویان باستان، نقشی اساسی داشتند. آنها به زندگی دینی ساختار و تداوم بخشیده، مراسم و عادت ها، جشنواره ها و اعیاد را هدایت می کردند. وظیفه آنها تضمین این امر بود که ایسرائل قومی باقی بماند که خدا در میان آنها حضور دارد. اما مسند کهانت یک نهاد بود و مانند همه نهادها در بهترین حالت، نگهبان بالاترین ارزش ها بودند و در بدترین حالت، فاسد شده، از مسند قدرت خود سوءاستفاده کرده، در سیاست بازی های داخلی به نفع سود شخصی خود وارد می شدند. این سرنوشت همه نهادهای مستقر است، به ویژه آنهایی که موروثی عمل می کنند. از این رو نقش انبیاء اساسی بود. آنها نخستین منتقدان اجتماعی جهان بودند که از سوی خدا فرمان داشتند تا حقیقت را به صاحبان قدرت گوشزد کنند. هنوز امروز چه خوب و چه بد، روحانیت نهادینه شده به کهانت ایسرائل شباهت دارد. پس انبیاء ایسرائل در زمانه ما چه کسانی هستند؟

درس اساسی تورات این است که رهبری هرگز نباید به یک طبقه یا نقش واگذار شود. همیشه باید توزیع و تقسیم شود. در کشور ایسرائل باستان پادشاهان قدرت سیاسی داشتند و کوهنیم به امور روحانی می پرداختند و انبیاء به رفتار اخلاقی و ایمان کل جماعت. در یهودیت، رهبری کمتر یک

کارکرد است و بیشتر، میدانی است از تنش میان نقش های گوناگون که هر یک دورنما و صدای خاص خود را دارند.

رهبری در یهودیت یک چندصدایی و مانند سبکی موسیقایی است که در آن "دو یا چند خط ملودی به طور مستقل پیش می روند".⁵ این پیچیدگی درونی است که به رهبری یهودیان قدرت می بخشد و آنرا از متلاشی شدن و از دست دادن انرژی خود مصون می دارد.

رهبری به نظر من همیشه باید این چنین باشد. هر تیمی باید از افرادی تشکیل شود که نقش ها، توانایی ها، خلق و خواها و دورنماهای متفاوت دارند. آنها همیشه باید گشوده به انتقاد بوده، مراقب باشند در دام خطای تصمیم گیری دستجمعی نیفتند. عظمت یهودیت در اصرار آن بر این باور است که یک تک صدای دستوردهنده تنها در آسمان وجود دارد. اینجا بر روی زمین، هیچ فردی هرگز نمی تواند رهبری را منحصر به خودش بسازد. از درون برخورد دورنماها میان پادشاه، کوهن اعظم و نبی گاهی چیزی حاصل می شود که بزرگتر از آن است که یک فرد یا یک نقش به دست می آورد.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org @RabbiSacks

The Office of Rabbi Sacks, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved • The Office of Rabbi Sacks is supported by The Covenant & Conversation Trust

⁵ *American Heritage Dictionary*, 5th ed., s.v. "Counterpoint" (Boston: Houghton Mifflin, 2011).